

ما باید پیگیری پیوست فرهنگی را فرایند ملی، قانونی و تعهدآور قرار دهیم نه این که فقط کسانی که این مفاهیم را درک می کنند پای این موضوع بایانند. به نظر خیلی نباید به این مسئله آن را وابسته کنیم بعد دچار این می شویم که هم راهانی که یا موظف هستند و یا می توانند بر حسب ظرفیتهای دیگرشان در اینجا نقش آفرینی کنند، محدود می شوند.

گنابادی نژاد: آقای احدیان هم دنبال احیای مطالبه در حوزه نگاه تمدنی هستند و به نظر می رسد این احیای مرکزیتی می خواهد. پایتخت سیاسی تهران است و سر جای خودش محفوظ و کارهایش را هم دارد می کند ولی به نظر می رسد ظرفیت پایتخت معنوی این توانمندی ها را در همه ابعاد می تواند داشته باشد «که مرکز مطالبه احیای گفتن تمدن اسلامی» این جا باشد. آن غفلتی که در خیلی از بخش های اصلی نظام در حوزه های مدیریت کلان وجود دارد با پشتیبانی نگاه نخبگانی می تواند دیده و بدان پرداخته شود. اینجا نیازمند حضور نخبگان فرهیخته و علمای برجسته حوزه علمیه و اندیشمندان دانشگاه ها هست که بتوانند در این موضوع نقش آفرینی کنند. جاذبه هایی که ما این جا به برکت حضرت رضا (ع) به لحاظ معرفتی داریم و آن استعدادهایی که از گذشته در حوزه علمیه وجود دارد اگر دوباره احیا شود و توانمندی هایی که به لحاظ مجموعه استعدادها در حوزه دانشگاه های خراسان و مشهد هست در ایجاد گفتن با نگاه تمدنی سازمانده می شود آنگاه جایگاه پیوست فرهنگی محکم تر خواهد شد.

احدیان: اولاً اصلاً منظورم این نیست که متوقف این بحث شویم بالاخره موضوع پیوست فرهنگی و ضرورتش به عنوان یک الزام قانونی و ضرورت جدی بالطبع باید مد نظر قرار بگیرد و مطالبه جدی شود چه ما موضوع تمدنی را بپذیریم یا نپذیریم این ضرورتی است که باید اتفاق بیفتد و در آن تردیدی نیست. اما اگر دو نگاه کار کردگر ایا نه و گفتن را با هم تلفیق کنیم در کنار تجربیاتی که در کشور وجود داشته قرار دهیم، از حیث اجرایی در کشور می توانیم به آن افق تمدن نوین برسیم.

بحث این است که این ادبیات تصمیم گیری های کلان نظام و تصمیم سازان را کاملاً متحول می کند و نگاه ها را تغییر می دهد. تجربه می گوید اگر ما با این نگاه گفتن می رود کنیم و پایتخت معنوی در افق آینده اش باید نماد مادی و معنوی سخت افزاری و نرم افزاری تمدن نوین اسلامی بشود، این ادبیات را در خود استان اگر جا بیاوریم در کل کشور به راحتی قابل

پذیرش است و بالطبع تمام آن نکته ها و حاشیه هایی که الان در حوزه های پیوست فرهنگی دارد را جمع می کند. فرمایشی که فرمودید درست نیست. این نگاه تصمیم گیران و تصمیم سازان را خود کار می برد به سمت نگاه حداقلی. نگاه کار کردگرایی هم می گوید شما

گنابادی نژاد: پایتخت سیاسی تهران است و سر جای خودش محفوظ ولی به نظر می رسد پایتخت معنوی در همه ابعاد این ظرفیت را دارد «که مرکز مطالبه احیای گفتن تمدن اسلامی» باشد

از جایی شروع کن و گسترش بده مهم این است که مادر استان به جمع بندی برسیم و به این گفتن و باور برسیم آن گاه به راحتی قابل عرضه به کشور است و می شود توقع داشت که وقتی می خواهید برای شان دیز و اخلدی طراحی کنید با این رویکرد پیوست فرهنگی تهیه کنید اگر نه می گوید پیوست فرهنگی می خواهید باشد من درست می کنم و ۲۰ مسجد درست می کند و می گوید این هم پیوست فرهنگی کارشناسی شده که سه هزار ساعت کار کارشناسی روی آن صورت گرفته است!

مرویان: اگر بخواهید پیوست فرهنگی را فارغ از استان خراسان پیگیری کنید انتظارتان چیست؟ یکی از نگاه های اشتباه نسبت به پیوست فرهنگی این هست که مایک جغرافیایی را از جاهای دیگر جدا کنیم و در این جغرافیا یک ادبیات و روابطی را حاکم کنیم که بر حسب شرایط اختصاصی آنجا یک نوع رفتار خاصی را اقتضا می کند. این هم در دنیا نمونه دارد مثلاً در کشور عربستان مکه و مدینه و این یکی از شیوه های ذبح کردن مفاهیم کلان است. پیوست فرهنگی را اگر بایک ادبیات مشهدی پیگیری کنیم این عملاً منجر به محدود کردن این مفهوم می شود.

گنابادی نژاد: قرار نیست مشهدی نگاه شود مشهد با نگاه تمدن نوین اسلامی می خواهد مترجم ظرفیت های مختلف اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع باشد. یعنی شما از تمدن اسلامی تلقی یک مدیریت ایزوله و یک نگاه جزیره ای برای شهر را ندارید که اگر این طور باشد ما هم با برداشت شما همراه هستیم.

مرویان: یکی از عناصر اصلی مشهد حوزه علمیه است. در حوزه علمیه نگاه تمدن سازی اسلامی چقدر تبدیل به خدمت فرهنگی شده است؟ این نگاه در نخبگان، در فرآیندها، در افق گزاریهای و در برنامه ریزی ها چقدر وجود دارد؟ در دانشگاه چقدر بحث تمدن سازی هست؟ شما فرمودید اگر نگاه مقام معظم رهبری را کنار بگذاریم

کسانی که فقط می خواهند ایده پردازی کنند و تبدیل به رفتار اجتماعی نخواهد شد. این مشکل است.

گنابادی نژاد: اگر همان چهار مسئله را نیازمند پیوست فرهنگی بدانیم تکلیف پیوست روشن می شود. آقای احدیان تذکری دادند که من هم همراه بودم اگر چه عرض کردم همان میزان

پیوست تکلیفش با یک سند بالادستی روشن شده باشد دیگر با این نمادها و رفتارهای جزئی و خرد نمی شود تکلیف را ساقط کرد. آن چالش سر جای خودش محفوظ است که چه کسی می خواهد این نقش را ایفا کند؟

مرویان: در کشورهای دیگر پیوست فرهنگی با شبیه به آن پیگیری می شود و هرگز هم مقصود من این نیست که با همان ادبیات و همان انتظار مسئله را پیگیری کنیم. پیوست فرهنگی لازمه ماندگاری ساختمان فرهنگی جامعه هست. هویت جامعه، احساس تعلق افراد به فرهنگشان، احساس عزت و استقلال شان و مفاهیم اساسی که به آن متوجه هستیم. لازمه آن پیگیری بحث پیوست فرهنگی است.

جلیلی نژاد: تعریف دقیق آقایان از پیوست فرهنگی چیست و مصادیق آن در فضای شهر را در چه می دانند؟

گنابادی نژاد: ما مخالف رشد مشهد نیستیم با حفظ این نکته قبلی که



نگاه تمدن نوین اسلامی می تواند جهت گیری های این رشد را به لحاظ کیفی تضمین کند. اما قطعاً در حوزه رفتار و عملکرد شاغولی می خواهیم که اگر در حوزه اقتصاد ورود پیدا کردیم سیاست ها، برنامه ها، پروژه ها و اعتباراتی را تخصیص دادیم، با استفاده از آن بسنجیم که کار اقتصادی ما نسبت به آن هویت اصلی که می خواهیم برای این شهر تعریف کنیم چقدر انطباق دارد و آن پیوست فرهنگی است؛ توازن رفتارها و عملکرد در سه موضوع اصلی سیاست، فرهنگ و اقتصاد به عهده پیوست فرهنگی است.

مرویان: اگر بخواهیم در یک جمله بگوییم منظور پیوست فرهنگی مدیریت تحولات فرهنگی که راه آورده فعالیت های کلان توسعه ای غیر فرهنگی است.

احدیان: در کنار آن نگاه بررسی آثار را می شود اضافه کرد یعنی هر اتفاقی که می افتد آثار فرهنگی و اجتماعی آن

هم الان نداریم که ما ممکن است پیوست فرهنگی را با یک نگاه مستقل از نگاه های کلان تعقیب کنیم بگوییم این همه فضاهای تجاری در شهر مشهد به وجود آمده، این همه تغییر و تحول در معماری به وجود آمده، این فرهنگ ترافیکی که تحمیل شده، این توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری که دارد به مشهد اضافه می شود برایشان پیوست فرهنگی بنویسیم؛ اگر این پیوست خودش یک سند بالادستی و یک تکلیف بلندتر و جامع تری نداشته باشد مصداق فرمایش ایشان است. در تمام مراکز فرهنگی گردشگری دستور می دهند نمازخانه بزرگی بسازند و چند تا کتاب مفتایح و ادعیه هم بگذارند و با موکت خوبی فرش شود و بگویند این فضای فرهنگی آن و در فضاهای تجاری هم در ماه محرم و صفر مفصل خیابان های لوکس و مدرن را پرچم سیاه بزنند و بگویند این پیوست فرهنگی. اگر این